

تبیین مولفه‌های بصری در فرم اشیاء بر اساس نظریه دلوز از فرم (مورد پژوهی: موزه هنرهای معاصر و مجموعه برج آزادی)

۱۴۰۳/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت مقاله :

۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله :

رویا کیهانی^۱سروش محمدپور^۱آویده طلایی^۲ (نویسنده مسئول)

چکیده

پژوهش حاضر به تبیین نقش مولفه‌های بصری در فرم اشیاء بر اساس نظریه دلوز از فرم در موزه هنرهای معاصر و مجموعه برج آزادی پرداخته است. فرآیند ادراک تحت‌تاثیر عوامل زیادی است، در ادراک یک بنای معماری مولفه‌های شکل‌دهنده فرم بنا تأثیر زیاد و به خصوصی دارند؛ این امر به گونه‌ای است که حتی می‌توان تأثیر این عوامل را در بازدیدکنندگان پیش‌بینی و بررسی کرد. این عناصر یکی از عوامل اصلی در افزایش یا کاهش تعداد بازدیدکنندگان در هر بنا می‌باشد؛ بنابراین بسیار حائز اهمیت چه برای افزایش گردشگران در بنا و چه برای معماران می‌باشد. البته بخش عظیمی از ادراک محیط از طریق بینایی و ادراکات بصری به دست می‌آید؛ به بیان ساده‌تر درک محیط توسط فرآیندی پیچیده بین مغز و چشم اتفاق می‌افتد که از سویی دیگر تناسبات و زیبایی‌های بصری بر روی افزایش ادراک فرم بر انسان‌ها، در بناهای معماری نقش مستقیم می‌گذارد. لذا در این پژوهش به تأثیر عوامل و مولفه‌های بصری بر فرم اشیاء بر اساس نظریه دلوز پرداخته شده است تا مولفه‌های بصری بر ادراک را در دو بنای موفق معماری معاصر ایران را دریافت و در اختیار دیگر پژوهشگران و معماران قرار داد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع آمیخته و دلفی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، بازدید میدانی و پرسشنامه صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عواملی همچون شرایط لایه‌های کارکردی، زیبایی‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی در تبیین مولفه‌های بصری فرم نقش مهمی دارند. مهم‌ترین مولفه‌ها در مجموعه برج آزادی شامل تناسب فرم و فضا؛ توجه به تاریخ معماری و غیرتکراری بودن بنا می‌باشد و مهم‌ترین مولفه‌های بازتاب‌یافته در موزه هنرهای معاصر شامل خلق حرکت؛ هماهنگی، کالبد، فضا، مصالح و روابط کارکردی؛ توجه به تاریخ معماری و غیرتکراری بودن بنا؛ ظرافت‌های بصری و عمق مفاهیم می‌باشد.

کلمات کلیدی: مولفه‌های بصری فرم، فرم، فرم اشیاء، نظریه دلوز، مجموعه برج آزادی، موزه هنرهای معاصر

۱- گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تهران غرب، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (talaei.avidah@wtiau.ac.ir)



تمام مقالات تحت لیسانس CC-BY و Creative Commons منتشر می‌شود.

۱- مقدمه

معماری به مثابه ی یک اثر، بازتابنده ی اندیشه ها و ارزش هایی است که برای درک و دریافت معانی آن می توان از عوامل متعددی مدد جست. از سویی دیگر در طول تاریخ هنر، فلاسفه و نظریه پردازان در تلاش بوده اند که مفهوم فرم را تبیین کنند. از دهه ی ۸۰ میلادی به بعد، صورت و فرم آثار معماری تغییرات شگرفی را به خود دیده است؛ این امر معلول نوع نگرش انسان به هنر است. ژیل دلوز [۱] به روشی خاص به بیان مفهوم فرم پرداخته است. وی با استمداد از مقولات پیرس [۲]، فرم را نوعی فعلیت و جدال می داند که از طریق مخالف یا متضاد بودن میان دو چیز به وجود می آید.

ژیل دلوز با عقیده بر اینکه محیط واقعی نوعی فعلیت می باشد، مفاهیم معماری را تحت تاثیر قرار می دهد. این مفاهیم در معماری به معنای الهام گرفتن طراح در ایده یابی از مولفه های پس زمینه ی مفاهیم و ویژگی های معماری سنتی و سپس انتخاب از میان لایه های آن و در نهایت خلق اثر است. بنابراین با توجه به مولفه های مطرح شده در اندیشه ی وی می توان به نحوه ی تجلی فرم و شکل گیری انواع آن به عنوان ابزاری مهم در معناسازی از لایه های درونی معماری استناد نمود.

خوانش اثر با در نظر گرفتن لایه های متنی مرتبط و مؤثر بر تاثیر متقابل کاربرد و معنا بر فرم اشیاء، یکی از مواردی است که در حوزه نقد معماری معاصر ایران کمتر بدان پرداخته شده است. از طرفی دیگر در طول تاریخ، مفهوم فرم در هنر و معماری تعاریف مختلفی برگرفته از الگوواره های فکری، فلسفی و فرهنگی حاکم بر هر دوره به خود اختصاص داده است. از اواسط قرن بیستم توجه به چگونگی شکل گیری اثر هنری و خوانش آن به شیوه ای متفاوت نسبت به قبل و با توجه به لایه های مختلف مؤثر در پیدایش هنر شکل گرفت. با توجه به مولفه های مطرح شده در اندیشه ی دلوز ضرورت دارد به نحوه ی تجلی فرم و شکل گیری انواع آن به عنوان ابزاری مهم در معناسازی از لایه های درونی معماری استناد و پژوهش نمود.

بنابراین هدف اصلی در این پژوهش تبیین مولفه های بصری در فرم اشیاء بر اساس نظریه ی دلوز از فرم است؛ که این نظریه در دو بنای مهم معماری در تهران که موزه های هنرهای معاصر و مجموعه ی آزادی هستند؛ بررسی شده است.

۲- پرسش های تحقیق و فرضیه تحقیق

برای پاسخگویی به هدف اصلی پژوهش نیاز است به پرسش های ۱- مولفه های بصری در فرم چه عواملی هستند و چه تاثیری در شکل گیری فرم اشیاء دارند؟، ۲- مولفه ها و شاخصه های نظریه ی دلوز از فرم چیست و چند درصد در مجموعه برج آزادی و موزه هنرهای معاصر بازتاب یافته است؟ پاسخ داد.

با توجه به این که پژوهش حاضر از نوع آمیخته می باشد؛ بنابراین فرضیه ی اصلی پژوهش این است که مهم ترین مولفه ی بازتاب یافته در موزه هنرهای معاصر از نظر دلوز خلق حرکت و روابط کارکردی بین اجزاء می باشد. همچنین مهم ترین مولفه ی بازتاب یافته در مجموعه برج آزادی از نظر دلوز تناسب میان فرم و فضا، پیوستگی بین اجزاء معماری و اتمسفر بالای فضا می باشد؛ که فرض می شود درصد بالاتری نسبت به سایر مولفه ها به خود اختصاص خواهند داد.

۳- پیشینه پژوهش

برای پیشینه ی پژوهش دو امر مهم می باشد ۱- مولفه ی بصری فرم و فرم از جهت معنا، ۲- نظریه دلوز از فرم. در جدول شماره ۱، پیشینه پژوهش به طور کامل بیان شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسنده	سال	بررسی ملاحظات انجام شده	نتیجه	روش تحقیق
۱	بررسی نقش مولفه های بصری فرم بر ادراک و تاثیر آن بر ایجاد انگیزش افراد	میترا فرجی و فاطمه ابراهیم-زاده نوایی	۱۳۹۷	در این پژوهش مولفه های ادراک بصری فرم با تکیه بر نظریات آرنهایم، اداندیس و گروتز دسته بندی شده و محرک های بصری فرمی با توجه به نظریات دونیس اداندیس گردآوری شده و به روش AHP با نظریات بیست خبره در زمینه معماری مقایسه شده است.	هر پدیده ای دارای دو جنبه است: جنبه ساختاری ساده و فارغ از تعلقات فرهنگی و اجتماعی قابل شناسایی است، درحالی که جنبه ادراکی نه تنها پیچیده است بلکه متاثر از مناسبات فرهنگ هر قوم و تحت تاثیر عوامل متعدد اجتماعی و فردی است.	کاربردی پیمایشی و توصیفی
۲	تحلیل بیناشانه ای روابط فرم و فضا	بابک امرایی	۱۳۹۳	در این پژوهش یکی از شاخصه های نوین و پرکاربرد بینامتنیت، «نقد بیناشانه ای» را به کار برده است و به یک شناخت نظام مند از فضا و روابط فرم و فضا، استفاده کرده است.	بر مبنای تحلیل بیناشانه ای، چهار نظام نشانه ای در فضا وجود دارند که عبارت اند از رمزگان ابعاد، فیزیکی، رمزگان بصری، رمزگان معنایی و رمزگان بعد پنهان.	تحلیلی- توصیفی
۳	تاثیر متقابل کاربرد و معنا بر فرم اشیاء	کیان دهقان و قاسم مطلبی	۱۳۹۹	این پژوهش به بررسی فرم شیء در چرخه عمر خود در مواجهه با خواست ها و نیازهای کاربردی و نیازهای انسان می پردازد. انسان به دلیل استفاده و فرم دادن به شیء به وسیله ی قابلیت های بالقوه خود با انسان ارتباط برقرار می کند.	ارتباط بین مورفولوژی شیء و همسازی آن با سایر مولفه ها قابل استفاده است. این مدل در رابطه با شناخت پویایی یک شیء توضیح می دهد که چرا و چه زمانی شیء در یک مرحله باقی می ماند یا از یک مرحله به مرحله دیگر توسعه می یابد.	تحلیلی- توصیفی
۴	تحلیل و بررسی متن آثار شاخص معماری معاصر ایران بر اساس خوانش دلوز از فرم (از سال ۱۳۸۵ تا کنون)	مهرنوش ذوقی تونکابنی، مریم ارمغان و مهرداد متین	۱۴۰۱	در این پژوهش معماری به مثابه ی یک متن بازتابنده ی اندیشه هایی است که برای درک و دریافت معانی آن می توان از نشانه شناسی مدد جست.	با به کارگیری لایه های متن به صورت صریح و آشکار، فرم بزرگ از انواع فرم دلوزی محقق می گردد. با حذف و کسر بخشی از رمزگان در طرح و معنا سازی به صورت ضمنی، فرم کوچک خلق می شود.	تحلیلی- توصیفی نشانه شناسی
۵	تعامل تصویر، حرکت و زمان در معماری و سینما با توجه به نظریات ژیل دلوز	فاطمه خوشاب و سید یحیی اسلامی	۱۴۰۲	در این پژوهش به مقوله ی بین رشته ای سینما در معماری پرداخته است تا مولفه های تصویر، حرکت	تصاویر با یکدیگر در حال کنش و واکنش هستند که در بستری از زمان رخ می دهند و باعث پیدایش	کیفی-تحلیلی رویکرد فلسفی

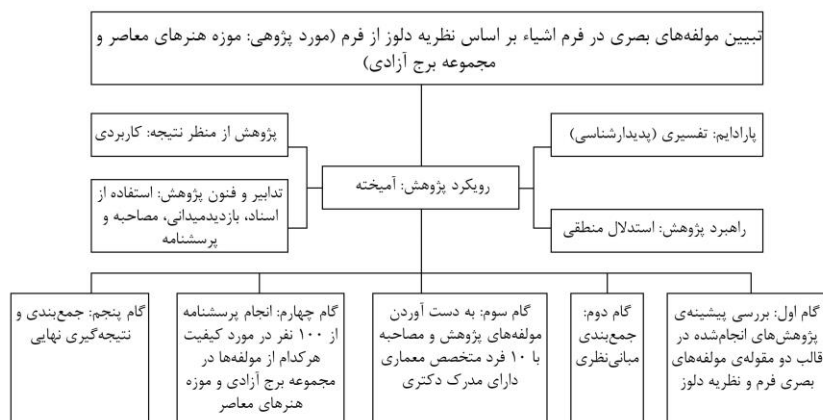
			و زمان را بر اساس آرای ژیل دلوز بررسی کند.	مفاهیمی از قبیل زمان-تصویر و حرکت-تصویر می گردند.	
۶	نقش ذهنیت طراح در بازنمود لایه های آثار معماری معاصر ایران با نگاهی به اندیشه فرم نشانه دار دلوز	مهرنوش ذوقی تونکابی، مریم ارمغان و مهرداد متین	۱۴۰۱	این پژوهش به بررسی شیوه های طراحی معماران حرفه ای ایران، شناسایی مولفه های پس-زمینه تاثیرگذار بر آن و شناخت نحوه بهره گیری از لایه های متن معماری در خلق اثر است.	معماران ایران در ایده-پردازی از مفاهیم و ویژگی های معماری گذشته، الهام و سپس با بیانی نو از لایه های مختلف معماری به ویژه لایه تاویلی و زیبایی-شناختی، درک عمیقی از مفاهیم گذشته در معماری امروز را بازتاب می کند.
۷	میانجی ها و ناممکن-های دلوزی سوژه، معماری و فضا از ساختارمندی تا ساختارشکنی آیزمن	مهتاب سلیمانی الموتی و حسین اردلانی	۱۴۰۰	در این پژوهش ویژگی های مشترک میانجی ها و ناممکن ها در اندیشه ی دلوز و معماری آیزمن بررسی شده است و با این فصل مشترک معماری وی بیان و تحلیل می شود.	میانجی ها بنا به حرکت و جنبش دائمی شان، تجسم هستی شناسی ناممکن ها را، که زیربنای این همانی و هویتی درونی هستند، شروع می کنند و پایان می بخشند.
۸	بازتعریف مراتب محصوریت در هزارتوی خانه های تاریخی کاشان (خانه عامری ها) بر پایه معرفت شناختی ریزوماتیک ژیل دلوز	حسنا ورمقانی	۱۴۰۲	این مقاله به دنبال بررسی شیوه های دستیابی به تنوعی از عرصه های محصور در سازمان های فضایی خانه های کاشان و بازتعریف مراتب محصوریت آنها است.	رویکردهای کالیدی/فضایی متعدد در تطابق با فضای کالیدی ریزومی شامل سیالیت، انعطاف پذیری، کثرت فضاها و نیز تنوع و تعدد درجات محصوریت موثر است.

با توجه به پیشینه ی پژوهش های انجام شده می توان دریافت کرد که عمده ی پژوهش های پیشین درباره ی فرم، معنای فرم و نحوه ی ادراک فرم بحث کرده اند و پژوهشی بر پایه ی نظریه ی دلوز از فرم، به بررسی بناهای شاخص معماری ایران نپرداخته است؛ بنابراین پژوهش حاضر پژوهشی جدید در مبحث بررسی فرم بر اساس نظریه ی ژیل دلوز می باشد.

۴-روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع آمیخته، ترکیبی از کمی و کیفی می باشد. در قسمت بررسی متون گذشته و شناخت مولفه های تاثیرگذار بر ادراک بازدیدکنندگان از روش کیفی و سپس در تحلیل و ارزش گذاری هر یک از مولفه ها از رویکرد کمی استفاده شده است. همچنین با توجه به چارچوب نظری پژوهش که مولفه های بصری در فرم اشیاء است، مرور میانی پایه و فلسفی امری ضروری برای شناخت ماهیت این نوع فضاهاست. در نتیجه با توجه به سنت کیفی تحقیق، پارادایم تفسیری و روش نمونه موردی استفاده شده است. ابزار این روش، مرور اسناد، تصاویر، پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده است که نمونه مدنظر پژوهش مجموعه برج آزادی و موزه هنرهای معاصر می باشد. همچنین در قسمت تبیین مولفه های بصری فرم بر ادراک بازدیدکنندگان روش پژوهش کمی می باشد؛ که کیفیت مولفه های تاثیرگذار در قالب پرسشنامه از بازدیدکنندگان مجموعه برج آزادی و موزه هنرهای معاصر مورد پرسش قرار گرفته است؛ که حجم نمونه در این پژوهش

۱۰۰ نفر می باشد. همچنین برای تحلیل و تبیین درست تر مولفه های بصری فرم بر ادراک و تاثیر آن بر احساس، از مصاحبه در این پژوهش استفاده شده است؛ که حجم نمونه در این بخش ۱۰ نفر دکتری معماری می باشد. در آخر با کنار هم قرار دادن تاریخ رویدادها، با تفسیر عقلی، یا دیگر شیوه های بحث منطقی می توان نقش مولفه های بصری فرم بر ادراک و تاثیر آن بر معماری موزه هنرهای معاصر و مجموعه برج آزادی را با استدلال منطقی به هم پیوند زد. در واقع پارادایم پژوهش تفسیری (پدیدارشناسی)، راهبرد اصلی پژوهش استدلال منطقی و تدابیر و فنون پژوهش استفاده از اسناد و تحلیل می باشد. در شکل ۱، ساختار کلی پژوهش به ترتیب گام ها بیان شده است.



شکل ۱: ساختار پژوهش

با توجه به روش تحقیق ذکر شده؛ از ۱۰۰ نفر، حدود ۴۰ عدد پرسش دربارهی درصد بازتاب مولفه های دلوز از فرم، در مجموعه ی برج آزادی و موزه هنرهای معاصر به صورت جداگانه و همراه با تصویر نمونه موردی، پرسیده شده است. پاسخ-دهندگان، درصد بازتاب هریک از مولفه ها را در چهار دسته ی ۱۰-۷۰ درصد، ۷۰-۵۰ درصد، ۵۰-۳۰ درصد و زیر ۳۰ درصد انتخاب کردند. سوالات پرسشنامه به صورت خلاصه در جدول ۲، ذکر شده است.

جدول ۲: سوالات پرسشنامه

ردیف	سوالات
۱	به نظر شما مولفه ی سیالیت و پویایی در فضا به چه میزان در (نام نمونه موردی) مشاهده می شود؟
۲	به نظر شما به چه میزان در (نام نمونه موردی) دارای ابهام و ابهام در فضا است؟
۳	به نظر شما به چه میزان در فضای (نام نمونه موردی) تضاد مشاهده می شود؟
۴	به نظر شما به چه میزان پیوستگی بین اجزای معماری در (نام نمونه موردی) مشاهده می شود؟
۵	به نظر شما دیالکتیک و روابط بین لایه های درونی محیط به چه میزان در (نام نمونه موردی) بازتاب یافته است؟
۶	به نظر شما در (نام نمونه موردی) چند درصد فضای بینایی و مرز مشترک وجود دارد؟
۷	به نظر شما معمار (نام نمونه موردی) به چه میزانی در طراحی به خلق حرکت فکر کرده است؟
۸	به نظر شما ظرافت های بصری و عمق مفاهیم به چه میزان در (نام نمونه موردی) مشهود است؟
۹	به نظر شما فضای (نام نمونه موردی) به چه میزان انعطاف پذیر است؟
۱۰	به نظر شما در (نام نمونه موردی) چند درصد ساختار و اتمسفر بالای فضا وجود دارد؟
۱۱	به نظر شما چند درصد کثرت گرایی در (نام نمونه موردی) وجود دارد؟
۱۲	به نظر شما در طراحی (نام نمونه موردی) به چه میزان به وجود فولد و هزارتو توجه شده است؟
۱۳	به نظر شما در (نام نمونه موردی) چند درصد دگر دسیسی (تغییر، تکامل و دگرگونی) وجود دارد؟
۱۴	به نظر شما تا چه میزان هماهنگی میان کالبد، فضا، مصالح و روابط کارکردی در (نام نمونه موردی) مشاهده می شود؟
۱۵	به نظر شما از نظر زیبایی شناختی، تا چند درصد تناسب میان فرم و فضا در (نام نمونه موردی) نمایان است؟
۱۶	به نظر شما از نظر اجتماعی-فرهنگی، تا چه میزان رابطه بین بافت، فرهنگ و تکرار اندیشه ها در (نام نمونه موردی) بازتاب یافته است؟

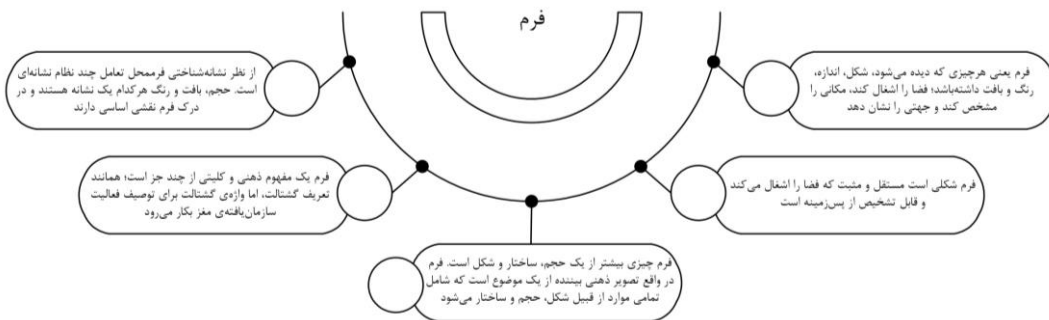
۵- چارچوب نظری پژوهش

در این قسمت در بخش اول برای درک ادارک مولفه های بصری فرم، به مفهوم فرم و فضا پرداخته شده است؛ سپس عوامل موثر بر ادراک به تفکیک نام برده و توضیح داده شده است. در بخش دوم به نظریه ی ژیل دلوز پرداخته شده و سه مقوله ی صیورورت، میانجی ها و ریزوم که اصلی ترین مباحث مطرح شده ی دلوز می باشد؛ مورد بررسی قرار گرفته است. سپس نشانه شناسی معماری و فرم دلوزی واکاوی شده است؛ تا در نهایت در قسمت تحلیل داده ها مولفه های فرم از منظر دلوز طبقه بندی شود.

۱-۵- ادراک مولفه های بصری فرم

۱-۱-۵- فرم و فضا

تعریف مشخصی برای فرم وجود ندارد؛ اما فرم برای توصیف مفهومی ذهنی به کار می رود که نمی توان آن را مانند یک پدیده ی مشخص تعریف کرد. در شکل ۲، تعاریف متفاوتی از فرم بیان شده است.



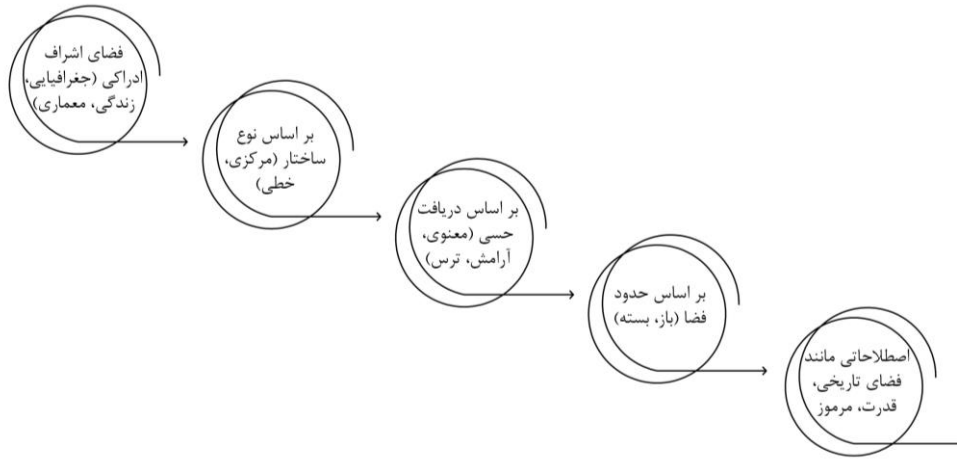
شکل ۲: تعریف فرم

فرم سیرتحول شگرفی را طی کرده است؛ در جدول ۳، نظریه ها، تعاریف و سیرتحول فرم بر اساس زمان طبقه بندی شده است.

جدول ۳: سیرتحول فرم (ذوقی تنکابنی، ۱۴۰۱، ۱۱)

نظریه	تعریف	مفهوم کانونی فرم
فرمالیسم [۳]	اهمیت یافتن ساختار و نظریات معرفت شناسی کانت	ساختار
ایده الیسم [۴]	روانشناسی ادراک و تاکید بر فراقکنی احساس بدنی محیط	فضا
پراگماتیسم [۵]	فهم معماری به عنوان تجسم و تجلی امری پیشینی (ایده) دریافت شده توسط معمار مبتنی بر آراء هگل	ایده
نشانه شناسی [۶]	اهمیت یافتن تعامل و سازگاری با محیط طبیعی و انسانی در شکل گیری پدیده، اهمیت تجربه در کسب معرفت	نسبت تعاملی (ساختار)
پدیدارشناسی [۷]	پساساختارگرایی (بازی آزاد دال، معنای متکثر و تعویق بی پایان معنا)	معنا
مارکسیسم [۸]	مورد توجه قراردادن مسئله کنش متقابل میان کالبد و محیط اطراف آن	معنا، قابلیت و کالبد، رویداد
روانشناسی محیط	حواس (دیداری، لامسه، بویایی و شنیداری) اندام غریزی درک و دریافت معنای معماری	معنا، اهمیت ساختار در نسبت با فرآیند خلق اثر
	شناخت روانشناسانه ی رفتارهای انسان در محیط کالبدی	قابلیت، کالبد-رویداد

واژه‌ی فضا برای دلالت بر مفهومی به کار می‌رود که به مراتب ذهنی‌تر و پیچیده‌تر از مفهوم ارجاعی فرم است. زمانی که از فرم چیزی صحبت می‌شود، آن چیز وجود دارد؛ لذا مرجع فرم قابل تصور است. اما زمانی که در مورد فضا صحبت می‌شود، مرجع مشخص نیست (امرای، ۱۳۹۳، ۳۰). انواع مختلفی از فضا وجود دارد که در شکل ۳، به آنها اشاره شده‌است.

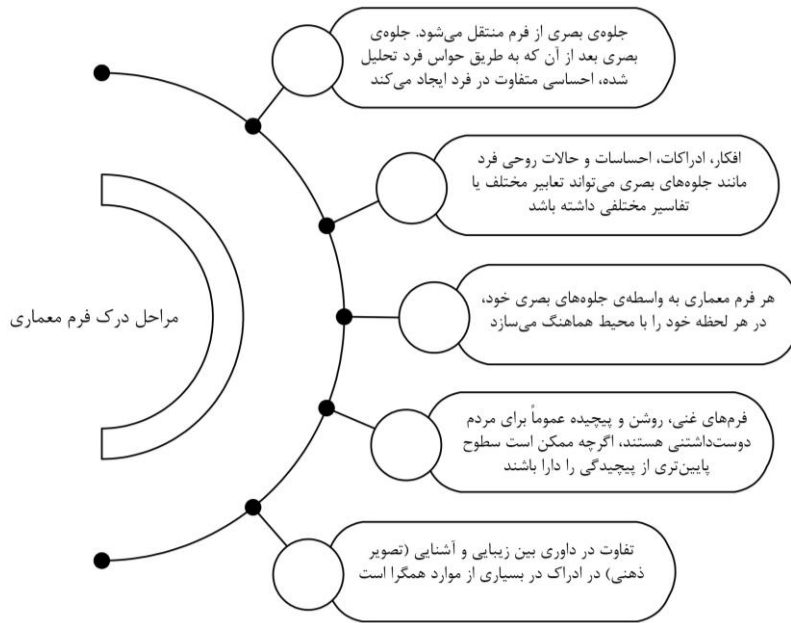


شکل ۳: انواع فضا

۲-۱-۵- عوامل موثر بر ادراک

ادراک چندبعدی و چندکیفیتی می‌باشد؛ صدا، بو و حس لامسه از دیگر جنبه‌های مهم در ادراک می‌باشند. ویژگی‌های دیداری فرمی و نمادین تنها جنبه‌ی زیبایی‌شناسی نیستند؛ بلکه عوامل مربوط به محرک (محیط) و عوامل مربوط به فرد نیز جایگاهی ویژه در مقوله‌ی ادراک دارند (فرجی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۰۰).

هر فردی در فضا و محیط، احساس متفاوتی را تجربه می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان اظهار کرد که چه فرم و چه الگویی برای مردم جذاب است؛ بلکه لذت‌بردن از الگوها و متغیرهای آنها با ویژگی‌های فردی هر شخصی به صورت جداگانه معنا می‌یابد. از منظر دلوز از جلوه‌های بصری هر فرمی، برداشت‌های متفاوتی شده‌است و این امر به میزان زیادی با احساسات و ادراکات هر فرد معنی می‌یابد. جلوه‌های بصری تاثیرهای متفاوتی روی درک فرم معماری می‌گذارند و مراحل متفاوتی را طی می‌کند که در شکل ۴، به آن اشاره شده‌است.



شکل ۴: مراحل درک فرم معماری

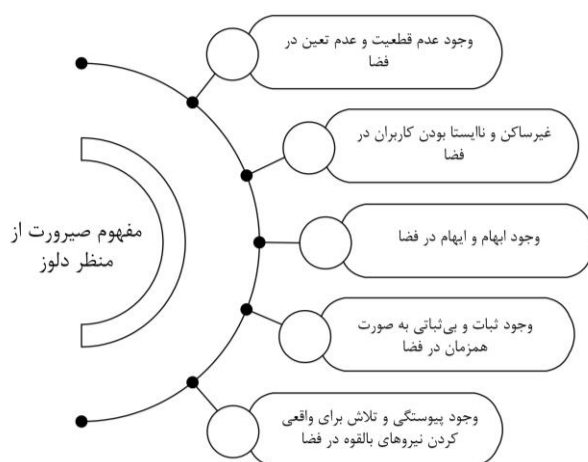
طیف تناسبات متفاوت یک فرم می‌تواند می‌تواند تفسیرهای متنوعی را تولید کند. شکل‌های باریک، نازک و بلند، جذابیت و ظرافت را نمایش می‌دهند؛ در حالیکه شکل‌های کروی و گرد، گرمی و آسایش را نشان می‌دهند. به علاوه همان فرم کج شده به بیرون، ترس یا نگرانی را نمایش می‌دهد (ترزیدیس، ۱۳۹۳، ۲۷).

۲-۵- نظریه ژیل دلوز

ژیل دلوز فیلسوفی پسا ساختارگرا می‌باشد و نظریاتش رویکردی پست مدرن دارد. دلوز تجربه‌گرایی را برای اولین بار مطرح می‌کند و برای این امر وامدار نظریات فیلسوفانی همچون فروید [۹]، نیچه [۱۰] و مارکس [۱۱] می‌باشد. از نظر وی احساس در هنگام مواجهه با بنا جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به همین دلیل است که رویکرد فکری وی به سمت پست مدرن است. دلوز در بنیان فلسفی‌اش از مفاهیمی همچون صیروت، میانجی‌ها، ریزوم، میل، سازمان‌گریزی، تفاوت و تکرار صحبت می‌کند؛ اما در لایه‌های سیستمی خوانش وی از فرم به مقوله‌هایی همچون لایه‌های کارکردی، زیبایی‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی، اقتصادی-سیاسی و زمان اشاره دارد.

۱-۲-۵- صیروت از منظر دلوز

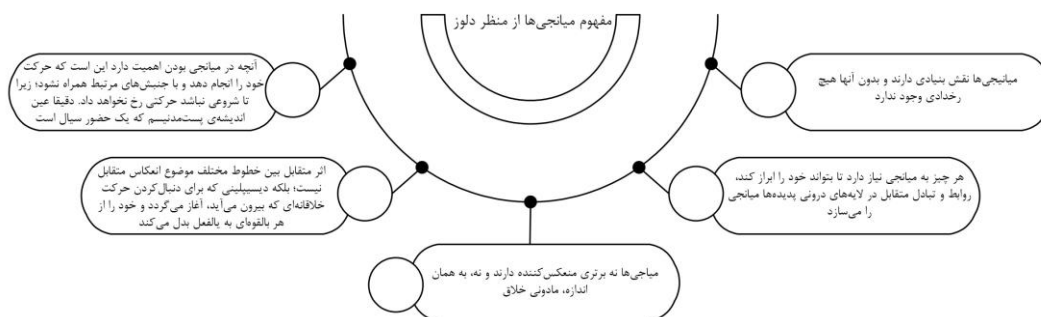
بر اساس دیدگاه دلوز، فیلسوفی به نام کولبروک صیروت را نیرویی درون خود می‌پندارد؛ از نظر وی صیروت به هر امری که فعلیت یافته‌است محدود نمی‌شود بلکه به واسطه‌ی درکی که از نیروهای بالقوه‌ای که در هر فعلیتی بیان می‌شود، به سوی جلو حرکت می‌کند (اردلانی و همکاران، ۱۳۹۴، ۳). در شکل ۵، به صورت کامل مولفه‌های صیروت در فرم بیان شده‌است.



شکل ۵: مفهوم سیورورت از منظر دلوز

۲-۲-۵- مفهوم میانجی ها از منظر دلوز

بعد از مفهوم سیورورت، مهم ترین بحث از منظر دلوز میانجی ها می باشد. میانجی ها نقش میانجی گری و میانه ای بین بالقوه و بالفعل بودن هر امری را دارند. علاقه ی دلوز به مرزهای مشترک میان دو یا چند فضا است. در اندیشه ی او ردپایی از نیروی بالفعل و انفعالاتی که توسط نیروها در میانه ی دو حریم به فعالیت مشغول می شوند، به چشم می خورد؛ میانه هایی که به معنای محافظه کاری نیستند (سلیمانی الموتی، ۱۴۰۰، ۱۴). در شکل ۶ به طور مفصل تر به بررسی شاخصه های میانجی ها پرداخته شده است.

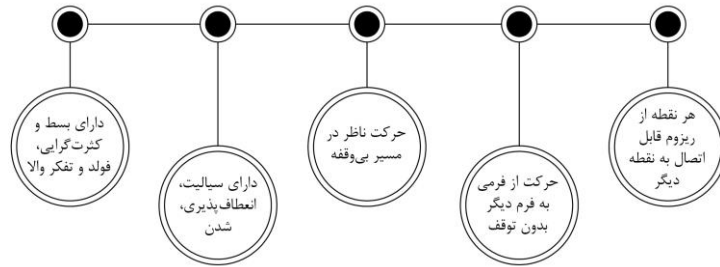


شکل ۶: مفهوم میانجی ها از منظر دلوز

بنابراین از منظر دلوز میانجی ها در حال خلق و آفریدن هستند؛ بر این اساس امری به نام سوژه و ابژه در معماری فضاها قابل پیش بینی نمی باشد و روابط نامتعینی دارد. میانجی ها به دلیل اینکه انرژی هستند و در فضا و اتمسفر وجود دارند، همیشه در حال حرکت اند و به صورتی سیال و پویا در حال رفت و برگشت می باشند.

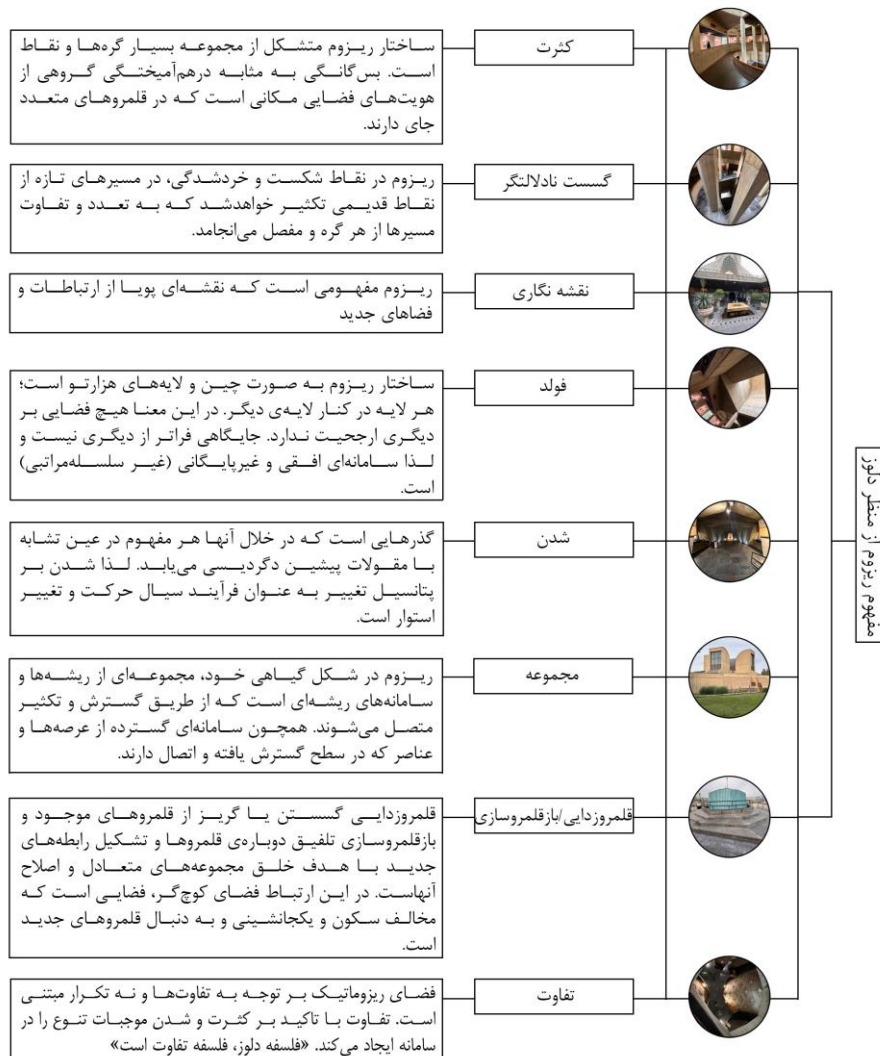
۲-۲-۵- مفهوم ریزوم از منظر دلوز

ژیل دلوز در کتاب هزار فلات برای تبیین فلسفه ی کثرت گرای خود، مفهوم ریزوم را به کار گرفته است (دلوز، ۱۳۹۰، ۵۰). فضای ریزومیک فضایی چهل تکه، انبوه، متکثر و بس گانه، غیر پایگان و بس ارتباطی و فضایی سیال تغییرات همیشگی است و همواره در میانه و بینابین جا دارد. نقطه ی پایان فضای ریزومی، آغاز راه تازه است؛ در واقع نمی توان آغاز و پایانی برای آن متصور شد (ورمقانی، ۱۴۰۲، ۲۰۴). در شکل ۷، مولفه های اساسی در درک ریزوم بیان شده است.



شکل ۷: مولفه های تاثیرگذار در ریزوم از منظر دلوژ

اصلی ترین امر در خصوص ریزوم، اتصال و ناهمگونی در فضا است. بر این اساس فضاهای متعدد و گوناگون با یکدیگر پیوند یافته و گویی یک کل واحد را تشکیل می دهند. ارتباطات متنوع در فضا موجب ایجاد پیوند ناهمسان و تنوع می گردد. ریزوم دارای هشت مولفه ای اصلی کثرت، گسست نادالنگر، نقشه نگاری، فولد، شدن، مجموعه، قلمروزدایی و بازقلمروسازی و در نهایت تفاوت می باشد. در شکل ۸، این هشت مولفه ای ذکر شده به صورت کامل توضیح داده شده است.



شکل ۸: مفهوم ریزوم از منظر دلوژ

۳-۵- نشانه‌شناسی در معماری

با فراموش شدن اندیشه‌های مدرنیسم و فاصله گرفتن معماران از طراحی‌هایی که بر مبنای کارکرد هستند، مفهوم ادراک و دریافت طرح جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و نشانه‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های تحلیل متن به عنوان روشی برای دریافت معانی آشکار و پنهان اثر مورد توجه قرار گرفت. معماری می‌بایست بر روند تولید معنا از طریق بیان و سازماندهی فضا تمرکز کند، چراکه اشکال فضایی بخشی از زندگی اجتماعی است که معنای آنها به ارزش‌های فرهنگی بستگی دارد (ذوقی تنکابنی و همکاران، ۱۴۰۱، ۸). در شکل ۹، طبقه‌بندی نشانه‌شناسی به طور مفصل بیان شده است.



شکل ۹: نشانه‌شناسی معماری

۴-۵- محیط متعین (فرم دلوزی)

دلوز در کتاب سینما یک (تصویر-حرکت) سه‌گونه حرکت-تصویر (تاثیر-تصویر، کنش-تصویر و ادراک-تصویر) را متباین و هر کدام را با یکی از مقولات پیرس مرتبط و با نظام نشانه‌شناختی وی مشخص می‌کند. دلوز، مقوله‌ی دوم پیرس که به یک ارتباط واقعی میان ابژه و نشانه اشاره دارد با کنش-تصویر منطبق و محیط تعین‌یافته می‌نامد. وضع دوم در جایی وجود دارد که فی‌نفسه دو چیز، آنچه حاصل نسبت یک چیز با چیز دوم است. وضع دوم پیکرهایی است که در فضا-زمان-های معین، محیط جغرافیایی و اجتماعی تحقق می‌یابند و کنش-تصویر زاده می‌شود. هنگامی که نیروها (کیفیات و قدرت‌ها) در حالات چیزها فعلیت یافته‌اند، می‌توان وارد قلمرو کنش-تصویر شد (ذوقی تنکابنی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۵۵).

از نظر دلوز سه نوع فرم وجود دارد؛ ۱- فرم بزرگ (فرم نشانه‌دار)، ۲- فرم کوچک (فرم کنشی) و ۳- استحاله‌ی فرم. جدول ۴، به بررسی ویژگی‌ها، توضیحات و زیرمجموعه‌های هر یک از این سه نوع فرم از منظر دلوز پرداخته شده است.

جدول ۴: انواع فرم از نظر دلوز (ذوقی تنکابنی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۵۸)

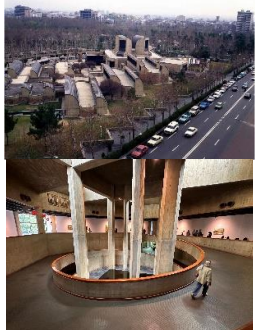
انواع	تبیین	مولفه	تبیین
فرم بزرگ	نیروهای محیط، ذهن خالق اثر را به چالش می‌کشند.	تک نشانه	مجموعه‌ای از نیروهای تعین‌یافته در محیط که به موقعیت خاص زمانی و مکانی اشاره دارند.
	طراح در خلق اثرش با استمداد از نیروهای محیط به طور صریح و آشکارا شیوه‌ی جدیدی را تبیین می‌نماید.	دو جمله‌ای	توجه طراح به نیروهای محیط و انتخاب از میان آنها در خلق اثر جهت هماهنگی طرح با محیط (دلالت صریح).
فرم کوچک	ذهن خالق با کسر یا دگرگونی بخشی از رمزگان، وضع دوم (فرم جدید) می‌سازد.	نمایه	فقدان: ذهن معمار موقعیتی جدید از طریق کسر یا دگرگونی بخشی از رمزگان می‌سازد که

		-موقعیت به تدریج پدیدار و توسط مخاطب درک می گردد. -از اثر، معنا یا معانی متعدد استنتاج می شود.	
استحاله فرم	-فرم در حال فرم زایی با استفاده از هر دو فرم بزرگ و کوچک. -اثر، در هر مرحله جنبه ای از موقعیت را نمایان می سازد. هریک از موقعیت ها نشانگر لحظه ای معین از مفهوم و ایده ی طراحی است و با موقعیت های دیگر پیوند خورده تا پیشرفت نوعی آگاهی و ایده پردازی را شکل دهد که برابر با کل موقعیت نمایان شده باشد.	پیکره برداشت و ایجاد آگاهی	-نحوه تغییر موقعیت ها در طرح که می تواند از فرم بزرگ به سمت فرم کوچک یا برعکس حرکت نماید. -پیکره متشکل از تک نشانه ها، نمایه ابهام و استنتاج (دلالت صریح به همراه دلالت ضمنی). فرم از بین داده های واقعی، کدهایی را انتخاب می نماید که در ذهن بیننده منجر به یک آگاهی اولیه شده و در موقعیت های مختلف این آگاهی را گسترده تر نموده و در نهایت وی را به آن برداشت ذهنی موردنظر می رساند.

۶- بحث و یافته ها

موضوع اصلی این پژوهش بررسی و تبیین مولفه های بصری فرم بر اساس نظریه ی دلوز از فرم می باشد. برای بررسی کیفیت مولفه ها دو نمونه ی موردی انتخاب شد؛ که عبارت اند از مجموعه برج آزادی و موزه ی هنرهای معاصر، دلیل انتخاب این دو بنا این است که هر دو بنا ۱- از نظر معناشناختی، مخاطب را به بازی فراخوانده و وادار به معناسازی می نمایند، ۲- واجد زبانی نو هستند و فقط به دنبال تکرار تاریخ معماری ایران نبوده و در پی تقلید از غرب نمی باشند و ۳- جریان فکری و نگرشی ویژه در فرآیند طراحی را نمایش می دهند. در جدول ۵، به معماری و شاخص های شکل گیری این دو بنا پرداخته می شود.

جدول ۵: معماری مجموعه برج آزادی و موزه ی هنرهای معاصر

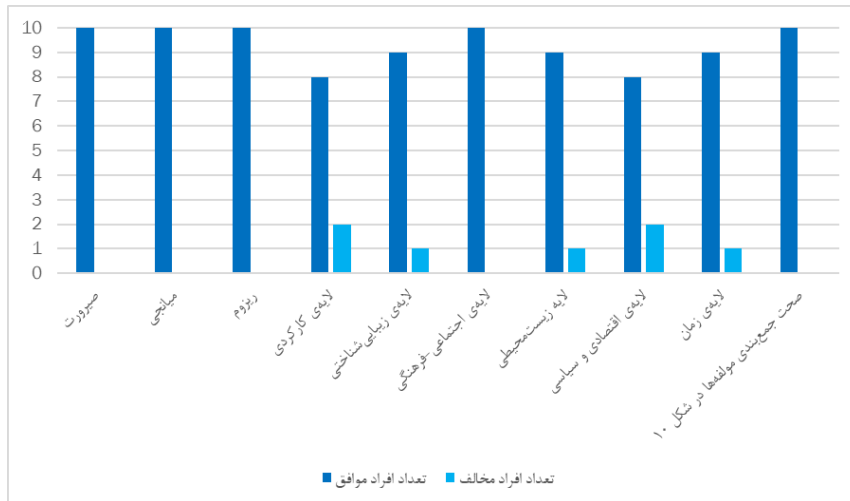
نام بنا	سال ساخت	نام معمار	تصویر	توضیحات
مجموعه برج آزادی	۱۳۴۹	حسین امانت		برج آزادی، به عنوان نماد «ایران مدرن» و برای یادبود جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در میانه یکی از میدان های اصلی غرب تهران به نام میدان شهید سابق و آزادی کنونی طراحی و ساخته شد. معماری برج، تلفیقی از معماری هخامنشی، معماری ساسانی و معماری اسلامی است. در فضای زیرین برج، چندین تالار نمایش، نگارخانه، کتابخانه و موزه قرار دارد.
موزه هنرهای معاصر	۱۳۵۶	کامران دیبا		این موزه شامل جامع ترین گنجینه های هنر مدرن در خارج از اروپا و آمریکای شمالی است و مالک یکی از ۵ تا ۱۰ مجموعه ی مهم هنر نوگرا در دنیاست. این موزه دارای کارهای مهمی از جنبش های هیجان نمایی انتزاعی، پاپ آرت، مینیمالیسم، مفهومی و فوتورالیسم است. در گنجینه ی دائمی موزه بیش از ۳۰۰۰ اثر ارزشمند از نخبگان هنرهای تجسمی نگهداری می شود که نزدیک به ۴۰۰ عدد از آن ها، دارای ارزش استثنایی هستند.

همچنین با توجه به مطالب بیان شده در قسمت مبانی نظری، می توان دریافت که از نظر دلوز صیوررت در فرم دارای عدم قطعیت، عدم تعین، غیرساکن و ناپایستا بودن در فضا (سیالیت و پویایی)، ابهام و ابهام در فضا و پیوستگی می باشد. همچنین وجود میانجی در فرم با دیالکتیک و روابط لایه های درونی محیط، وجود مرز مشترک بین فضاها، نمایان بودن سوژه و ابژه، حضور سیال و وجود دیسپلینی برای دنبال کردن یک حرکت خلاقانه در فضا در راستای خلق حرکت، وجود ظرافت های بصری و عمق مفاهیم، انعطاف پذیری، وجود فضای بینابینی و اتمسفر بالا در فضا معنا می یابد. به علاوه وجود مفهوم ریزوم در فرم دارای عواملی همچون سیالیت، انعطاف پذیری، غیرخطی بودن فرم، کثرت گرایی، گسست نادالانگر (ایجاد مسیر جدید با شکست و خردشدگی)، نقشه نگاری (دارای نقشه ای پویا با ارتباط فضایی جدید)، فولد (هزارتو)، شدن (ایجاد دگردیسی)، مجموعه (با گسترش و تکثیر متصل شدن)، قلمروزدایی و بازقلمروسازی (ایجاد رابطه ی جدید و مخالفت با سکون در فضا)، تفاوت (دوری از تکرار) می باشد. همچنین از نظر دلوز لایه های سیستمی نیز در ادراک فرم موثرند؛ لایه های سیستمی دارای ۱- لایه ی کارکردی که دارای ساختار معماری، کالبدی، فضایی، مصالح و روابط کارکردی است. ۲- زیبایی شناختی که حجم، فرم، فضا، تناسب و روح مکان از مولفه های مهم آن است. ۳- خصوصیات اجتماعی- فرهنگی که رابطه با بافت، روابط درون فرهنگی و توجه به تکرار اندیشه ها از شاخصه های آن است. ۴- عوامل زیست محیطی که اقلیم و بوم نقش مهمی را در ادراک آن ایفا می کنند. ۵- عوامل اقتصادی و سیاسی که روابط درون سیاسی (توجه به تاریخ معماری سنتی) و وجود مصالح با رویکرد اقتصادی در این بخش مهم است و در آخر ۶- لایه زمان که توجه به شرایط روز جامعه و نگاه جهانی از عوامل اصلی در ادراک آن هستند. در شکل ۱۰، مولفه های بصری در فرم اشیاء بر اساس نظریه ی دلوز از فرم جمع آوری شده است.



شکل ۱۰: مولفه های بصری در فرم اشیاء بر اساس نظریه دلوز از فرم

سپس مولفه‌های شکل ۱۰ در اختیار ۱۰ نفر از متخصصین معمار که دارای مدرک دکتری هستند؛ قرار گرفت و مصاحبه و پرسشنامه از آنها صورت گرفت؛ تا صحت مولفه‌ها از نظر آنها تایید یا رد گردد. نتایج پرسشنامه از متخصصین در شکل ۱۱، مشاهده می‌شود.



شکل ۱۱: نتایج صحت مولفه‌های فرم از نظر دلوز

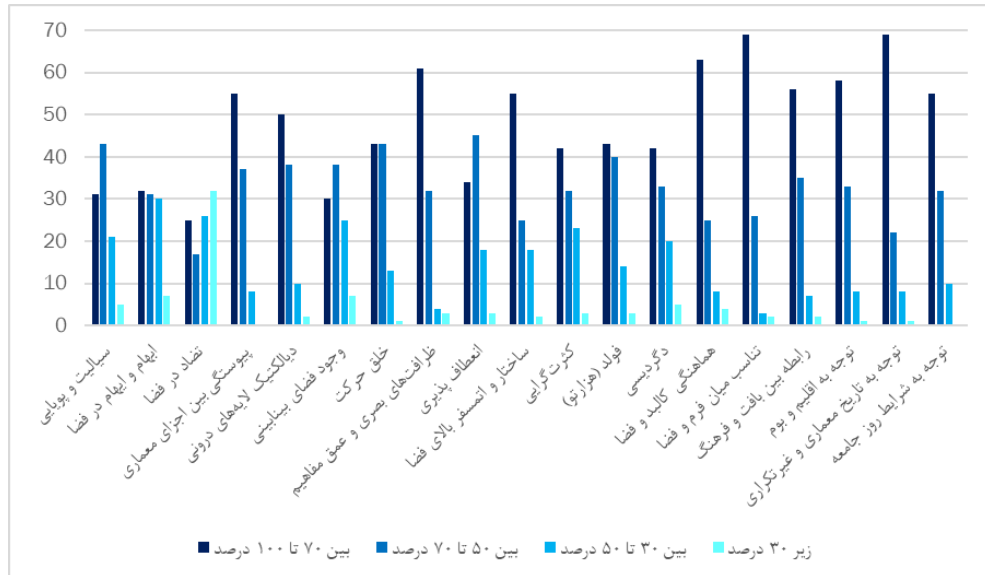
بنابراین با توجه به شکل ۱۱ می‌توان نتیجه گرفت که مولفه‌های استخراج‌شده و جمع‌آوری شده در شکل ۱۰، صحیح هستند.

۷- نتیجه‌گیری

مولفه‌های بصری فرم همپوشانی بالایی با مولفه‌ها و شاخصه‌های نظریه دلوز از فرم دارند؛ این مولفه‌ها از نظر آراء دلوز به سه بخش اصلی صورت، میانجی و ریزوم تقسیم‌بندی می‌شوند. صورت دارای شاخصه‌هایی همچون سیالیت و پویایی در فضا، ابهام و ابهام در فضا، وجود تضاد در فضا و پیوستگی بین اجزاء معماری می‌باشد. میانجی دارای مولفه‌هایی همچون دیالکتیک روابط لایه‌های درونی محیط، وجود مرز مشترک و فضای بینابینی، حضور سیال، خلق حرکت، ظرافت بصری و عمق مفاهیم، انعطاف‌پذیری و ساختار و اتمسفر بالا در فضا می‌باشد. ریزوم دارای شاخصه‌هایی همچون سیالیت، انعطاف‌پذیری، کثرت‌گرایی، گسست نادالتر، فولد و دگردیسی می‌باشد. از نظر دلوز مولفه‌های دیگری همچون لایه‌ی کارکردی که شامل هماهنگی کالبد، فضا، مصالح و روابط کارکردی است؛ لایه‌ی زیبایی‌شناختی که وجود تناسب بین فرم و فضا است؛ لایه‌ی اجتماعی-فرهنگی که رابطه‌ی همزمان بین بافت، فرهنگ و توجه به تکرار اندیشه‌ها در آن مهم است؛ لایه‌ی زیست‌محیطی که توجه به اقلیم و بوم در آن حائز اهمیت است؛ لایه‌ی اقتصادی و سیاسی که توجه به تاریخ معماری و غیرتکراری بودن بنا را مورد توجه قرار می‌دهد و در نهایت لایه‌ی زمان که توجه به شرایط روز جامعه و جهان را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ در شکل‌گیری فرم تاثیر به سزایی دارند.

درصد بازتاب هر یک از مولفه‌های فرم از نظر دلوز در مجموعه‌ی برج آزادی و موزه‌ی هنرهای معاصر، در شکل‌های ۱۲ و ۱۳، جمع‌آوری و تحلیل شده‌است. با توجه به شکل ۱۲، می‌توان دریافت که مهم‌ترین مولفه‌های بازتاب‌یافته در مجموعه‌ی برج آزادی به ترتیب شامل تناسب بین فرم و فضا؛ توجه به تاریخ معماری و غیرتکراری بودن بنا؛ هماهنگی کالبد، فضا، مصالح و روابط کارکردی؛ ظرافت‌های بصری و عمق مفاهیم؛ توجه به اقلیم و بوم؛ پیوستگی بین اجزای معماری؛ رابطه‌ی

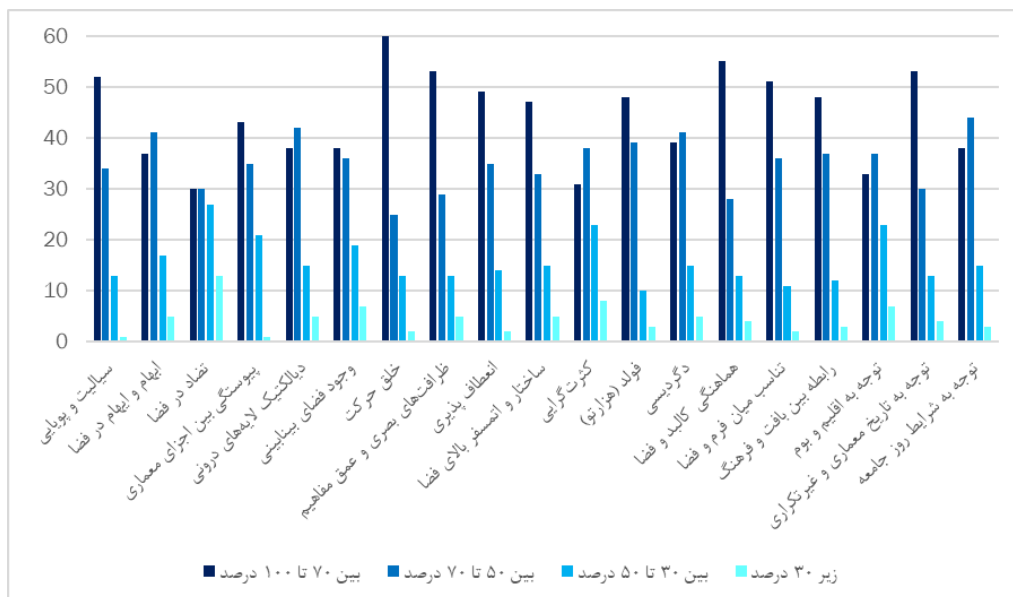
همزمان بین بافت، فرهنگ و توجه به تکثر اندیشه ها؛ توجه به شرایط روز جامعه ایران؛ ساختار و اتمسفر بالای فضا و در نهایت دیالکتیک لایه های درونی محیط می باشد؛ که از نظر اکثر افراد (۵۰ نفر به بالا) درصد بازتاب این مولفه ها بین



۷۰-۱۰۰ درصد می باشد.

شکل ۱۲: نتیجه ی پرسشنامه از ۱۰۰ نفر درباره ی مولفه های فرم از نظر دلوز در مجموعه برج آزادی

با توجه به شکل ۱۳، می توان دریافت که مهم ترین مولفه های بازتاب یافته در موزه ی هنرهای معاصر به ترتیب شامل خلق حرکت؛ همانگی، کالبد، فضا، مصالح و روابط کارکردی؛ توجه به تاریخ معماری و غیر تکراری بودن بنا؛ ظرافت های بصری و عمق مفاهیم؛ سیالیت و پویایی در فضا؛ تناسب میان فرم و فضا؛ انعطاف پذیری؛ فولاد و هزارتو؛ رابطه بین بافت و فرهنگ و در نهایت ساختار و اتمسفر بالای فضا می باشد؛ که از نظر اکثر افراد (۴۵ نفر به بالا) درصد بازتاب این مولفه ها بین ۷۰-۱۰۰ درصد می باشد.



تبار ۱۴۰۵

طرح و برنامه ریزی
در معماری و شهرسازی

شکل ۱۳: نتیجه‌ی پرسشنامه از ۱۰۰ نفر درباره‌ی مولفه‌های فرم از نظر دلوز در موزه هنرهای معاصر

۸- پی‌نوشت

Gilles Deleuze [۱]	Charles Sanders Peirce [۲]	Formalism [۳]
Idealism [۴]	Pragmatism [۵]	Semiotics [۶]
Phenomenology [۷]	Marxism [۸]	Sigmund Freud [۹]
Friedrich Nietzsche [۱۰]	Max Weber [۱۱]	

۹- ماخذ

۱. آرنه‌ایم، رودولف. (۱۳۹۲). *پویه‌شناسی صور معماری نیروهای ادراک بصری* (ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: سمت.
۲. ادان‌دیس، دونیس. (۱۳۹۲). *مبادی سواد بصری* (ترجمه: مسعود سپهر). تهران: سروش دانش.
۳. اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۹۲). *حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی*. تهران: علم معمار.
۴. اردلانی، حسین، سلیمی، همایون، اکبری، مجید و گودرزی، حجت. (۱۳۹۴). *تجسم احساس در اندیشه‌ی ژیل دلوز؛ بررسی نقاشی‌های فرانسیس بیکن. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، ۱۶، ۸۹-۱۰۴.
۵. الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). *معماری و راز جاودانگی* (ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: بهشتی.
۶. امرایی، بابک. (۱۳۹۳). *تحلیل بینا‌شناسانه‌ی روابط فرم و فضا. هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ۱۹(۴)، ۱۳-۲۲.
۷. امیری پویا، فائزه، افضلیان، خسرو، اعتصام، ایرج و طبسی، محسن. (۱۴۰۱). *خوانش اندیشه‌های نو سنت‌گرایی در معماری معاصر ایران بر مبنای هرمنوتیک فلسفی هایدگر (با بررسی اندیشه‌های حسین شیخ زین‌الدین)*. دوفصلنامه علمی معماری، شهرسازی و هنر فضایی زیست، ۲(۲)، ۷۳-۹۲.
۸. بارت، رولان. (۱۳۷۰). *عناصر نشانه‌شناسی* (ترجمه: مجید محمدی). تهران: بین‌المللی ال‌هدی.
۹. بانی‌مسعود، امیر. (۱۳۹۴). *معماری معاصر ایران*. تهران: هنر معماری قرن.
۱۰. ترزیدیس، کوستاس. (۱۳۹۳). *فرم بیانگر: رهیافتی مفهومی به معماری رایانه‌ای* (ترجمه: کاوه بذرافکن). مشهد: کتابکده کسری.
۱۱. جمالی، مریم. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر مفهوم فرم و فرمالیسم در هنر مدرن*. چستارهای فلسفی، ۱۱(۲۸)، ۴۷-۶۴.
۱۲. خوشاب، فاطمه و اسلامی، سید یحیی. (۱۴۰۲). *تعامل تصویر، حرکت و زمان در معماری و سینما با توجه به نظریات ژیل دلوز. هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی*، ۲۸(۱)، ۸۱-۹۴.
۱۳. دلوز، ژیل. (۱۳۹۰). *ترجیح می‌دهم که نه. بارتابی محرر و سه جستار فلسفی* (ترجمه: شهریار وقفی‌پور). تهران: نیکان.
۱۴. دلوز، ژیل. (۱۳۹۲). *سینما ۱: حرکت-تصویر* (ترجمه: مازیار اسلامی). تهران: مینوی خرد.
۱۵. دهقان، کیان. (۱۳۹۹). *تأثیر متقابل کاربرد و معنا بر فرم اشیاء. هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ۲۵(۲)، ۷۵-۸۶.
۱۶. ذوقی تونکانی، مهنوش، ارمغان، مریم و متین، مهرداد. (۱۴۰۰). *تحلیل و بررسی متن آثار شاخص معماری معاصر ایران بر اساس خوانش دلوز از فرم (از سال ۱۳۸۵ تا کنون)*. دوفصلنامه اندیشه معماری، ۱۱(۱)، ۱-۲۱.
۱۷. ذوقی تونکانی، مهنوش، ارمغان، مریم و متین، مهرداد. (۱۴۰۱). *نقش ذهنیت در بازنمود لایه‌های آثار معماری معاصر ایران با نگاهی به اندیشه‌ی فرم نشانه‌دار دلوز*. نشریه علمی باغ‌نظر، ۱۹(۱۱۷)، ۹۱-۱۰۴.

۱۸. رئیسی، ایمان. (۱۳۹۴). *نظر بازی: جستارهای نظریه معماری*. مشهد: کتابکده کسری.
۱۹. سلیمانی الموتی، مهتاب و اردلانی، حسین. (۱۴۰۰). میانجی ها و ناممکن های دلوزی؛ سوژه، معماری و فضا؛ از ساختارمندی تا ساختارشکنی آیزنمن. *فصلنامه علمی و شهرسازی*، ۳۲(۹۹)، ۶۱-۷۵.
۲۰. طلایی، آویده، حبیب، فرح و مختاباد امریی، سیدمصطفی. (۱۳۹۷). تدوین مدل مفهومی نشانه شناسی بازار سنتی ایران. *مجله علمی-پژوهشی جستارهای زبانی*، ۹(۳)، ۱۵-۳۶.
۲۱. علینژاد مجیدی، سحر، شالی امینی، وحید، ایرانی بهبهانی، هما و ضیمران، محمد. (۱۳۹۸). چگونگی بازتاب جلوه های میان متنی در بازخوانش معماری معاصر ایران. *معماری و شهرسازی ایران*، ۱۰(۱۷)، ۴۹-۶۸.
۲۲. فرجی، میترا و ابراهیم زاده نوایی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی نقش مولفه های بصری فرم بر ادراک و تأثیر آن بر ایجاد انگیزش افراد. *هویت شهر*، ۱۴(۴۱)، ۴۷-۵۸.
۲۳. قبادیان، وحید. (۱۳۹۳). *مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب*. تهران: پژوهش های فرهنگی.
۲۴. لنگ، جان. (۱۳۹۰). *آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)* (ترجمه: علیرضا عینی فر). تهران: تهران.
۲۵. محمودی، امیرسعید و باستانی، مهیار. (۱۳۹۷). روش های خلق ایده و کانسپت در فرایند طراحی معماری. *هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۳۱(۲)، ۳۳-۴۴.
۲۶. ورمقانی، حسنا. (۱۴۰۲). بازتفسیر مراتب محصوریت در هزارتوی خانه های تاریخی کاشان (خانه عامری ها) بر پایه معرفت شناختی ریزوماتیک ژیل دلوز. *نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران*، ۱۴(۲)، ۶۷-۸۱.
۲۷. وی کی چینگ، فرانسیس. (۱۳۷۰). *معماری، فرم، فضا، نظم* (ترجمه: زهره قراگوزلو). تهران: تهران.

Explanation of visual components in the form of objects based on Deleuze's theory of form (Case study: Museum of Contemporary Arts and Azadi Tower Collection)

Roya Keyhani¹

Soroush Mohammadpour¹

Avideh Talaei^{2*}(corresponding author)

Abstract:

This study examines the impact of visual components and object forms on architectural perception, focusing on the Museum of Contemporary Arts and the Azadi Tower in Iran through Deleuze's theory of form. The physical form of architecture substantially shapes visitors' experiences, influencing not only their perception but also the site's attractiveness and the frequency of its visitors—an important insight for both architects and tourism professionals.

Gilles Deleuze, a post-structuralist philosopher, emphasizes the sensory experience of built environments. His conceptual approach focuses on becoming, mediation, and rhizome, describing architecture as a dynamic process, encouraging interaction and diversity. He analyzes form through six systemic layers: functional, aesthetic, socio-cultural, environmental, economic-political, and temporal, each contributing uniquely to perception and meaning.

The research employed a mixed-methods approach—library study, field observation, questionnaires, interviews, and the Delphi method. Results reveal notable alignment between Deleuze's theoretical categories and observed visual elements in the two case studies:

Becoming: representing transformation, fluidity, ambiguity, and continuity.

Mediation: highlighting dynamic relationships, interspaces, movement, depth, elegance, and atmosphere.

Rhizome: emphasizing multiplicity, flexibility, non-linear connection, and metamorphosis.

These themes are further detailed in six practical layers: integration of structure and function, proportion, cultural pluralism, environmental responsiveness, historical uniqueness, and attention to contemporary societal conditions.

Analysis shows that the Azadi Tower is especially strong in balancing form and space, historical reference, integration, and environmental adaptation. The Museum of Contemporary Arts is noted for its movement, harmony, complexity, flexibility, and cultural depth. In both cases, more than 70% of respondents recognized these features as crucial, underscoring the practical and theoretical relevance of Deleuze's perspective in interpreting and designing contemporary Iranian architectural landmarks.

Keywords: Visual components of form, form, form of objects, Deleuze's theory, Azadi Tower Collection, Museum of Contemporary Arts

1- PhD Researcher in Architecture, Faculty of Art and Architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (talaei.avideh@wtiau.ac.ir)